

کلمه هایی که اتفاق می افتند قسمت آخر

ایلپا موسایی! بله آقا همین ها بود. مردم زیاد دروغ به هم می یافتند وگرنه من چه کاره باشم؟! حتی راه هم نمی توانم بروم چه برسد به اینکه بخوام برای کسی دردرس درست کنم! نه آقا همه این ها زیر سرکبرای بی عقل است. من هم که شنیدم آب توی مغزم خشک شد. به شما چه گفته اند؟... نه آقا من نهایتا زورم برسد با یکی دونفر عین خودم حرف زده باشم. درست کردن شایعه های به این بزرگی کار من ساده نیست. این کبراست که همه محله ها را شخم می زند بلکه خبری چیزی دستش بیاید. وگرنه که من صبح تاشب یک پیت حلی می گذارم جلو درو مردم رانگاه می کنم. معلوم نیست کدام از خدایی خبری این حرف ها را برابرم دراورده. بله بله می گویم. اما این قضیه مال خیلی سال پیش هاست. آن موقع یک کسب آقایی اینجا بود. بپش می گفتند حسن گوسفندفروش. من خودم که ندیده ام ولی می گویند توی حیاط خانه که بروی یک در کوچک هست که پله می خورد و می رود توی تاریکی. آن موقع آغل بود. گوسفند ها را همانجا نگه می داشت. حالا هم حرف راه افتاده که دوتا برادر ها رازن آنجا اسیر کرده. من که نمی دانم. کبری خروار خروار خبر می آورد و می برد یکی اش همین است که عارف ها بعد از آن دزدی که چندسال پیش اتفاق افتاده بود حالا دوباره رفته اند سروقت آن خانه. می گویند این بار زن انتظارشان رامی کشیده چون یک چیز سمی توی هوا پاشیده وبی هوششان کرده. بعضی ها هم می گویند توی خانه اسلحه نگه می داشته و ستمشان گرفته. هر چه هست این دوتا نخاله را کشانده توی همان آغل و در را قفل کرده. بچه های همسایه سرک کشیده اند. چیزی نبوده جز رخت چرد های روی بند ولی صدا شنیده اند... بله صدای ناله بوده. صدای التماس آدمیزاد شنیده اند. البته این را بگویم که این حرف ها مال یک ماه پیش است ولی عارف ها نهایتا یک هفته ای می شود که غیبشان زده... من این ها را از کبری شنیدم. مثل شما برای یکی دونفر دیگر هم تعریف کردم. حالا می گویند این شایعه ها به گوش خودشان می رسد و می بینند چه نقشه محشری بوده و چرا به عقل خودشان نرسیده! بعد می روند همین بلاها را سر طرف می آورند! یعنی من پیرمرد روی این پیت می نشینم و برای آن ها طرح دزدی می ریزم؟ چه حرف ها! این عارف ها ز رنگ تر از این چیزها هستند. به جن درس می دهند. همین دیروز کبری تعریف می کرد این شایعه ها... همین ها که می گویند بعضی ها گردن من انداخته اند... این شایعه ها را خود عارف ها راه می اندازند و از آب گل آلود ماهی می گیرند... من چه می دانم. شاید می خواهند مردم را بترسانند. شاید هم الان خودشان غیب شده اند تا بروند سراغ خانه ها و گردن یکی دیگر بيفتند، این محله و محله های دوروبرش خلاف کار و آدم ناجور زیاد دارد کسی هم نمی آید جمعشان کند. یامی اندازند گردن یکی عین من که نهایت گناهش حرف زدن است. که خودشان راست راست بگردند و به بقیه بخرند. راست را بخواید از همان موقع زن لال را هم ندیده ام. قبلا نانی می گرفت. نوشابه ای می خرید ولی حالا که فکرش رامی کنم چند روز است ندیده ام رد شود. حتما فردا شایعه می شود همه قصه اسیری توی آغل دروغ بوده و عارف ها قایم شده بودند. حالا هم رفته اند زن بیچاره را کشته اند و دار و ندارش را جاور زده اند. بعد هم می اندازند گردن من که همه شایعه ها از گور من بلند شده و هرچه آشوب و بلواست سر این زبان بی صاحب است که خواسته با یکی درد دل کند. یک حالی از همسایه های قدیمی بپرسد. من اگر شانس داشتم که حالا کارم به اینجا نمی کشید! که بیاوریدم اینجا برای سین جیم. حرف دیگری ندارم. همه اش همین ها بود که گفتم. خدا از سر تقصیر کبری بگذرد که این طوری برایم دردرس درست کرده. کاغذها پتان را هم که امضا کردم. حالا می گذارید بروم یا هنوز هم باید بمانم؟

روی خط حادثه

دستبرد به ۱۶ باغ ویلا در لباس نگهبان



قرآنی! مرد جوانی که در پوشش نگهبان ، به چند باغ ویلا دستبرد زده بود از سوی پلیس شناسایی و دستگیر شد. در پی اعلام چند فقره گزارش سرقت از باغ ویلاهای محدوده روستای رضوان، موضوع در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت. مجریان قانون در بررسی اظهارات یکی از مال باختمان در یافتند که متهم شبانه به محل وارد شده و طی چند مرحله لوازمی نظیر موتور کولر ، فرئون و مقادیر زیادی آهن آلات و کابل های برق را سرقت کرده است. مأموران پاسگاه انتظامی سدکارده با بررسی های میدانی به نگهبان یکی از باغ ویلاها که به تازگی در این روستا مشغول کار شده بود، مظنون شدند و پس از کنترل و مراقبت های پوششی این فرد را در حال جابه جایی چند قطعه میلگرد سرقتی دستگیر کردند. متهم در بازجویی ها به شانزده فقره سرقت از باغ ویلاها و فروش اموال مسروقه به فردی دیگر اعتراف کرد. پلیس مال خر اموال مسروقه را نیز دستگیر و در بازرسی از محل مقدار زیادی کابل برق، کابل مخابرات و کابل تلفن به همراه مقدار زیادی آهن آلات را کشف کرد.

گرفتاری ۱۱ کوهنورد در گولاک مرگ

شهرآرا! فرمانده انتظامی تربت حیدریه از نجات جان یک تیم کوهنوردی گرفتار در ارتفاعات این شهرستان خبرداد. سرهنگ علی اکبر کیانی در این باره گفت: مأموران پاسگاه انتظامی بخش کدکن در پی دریافت گزارشی مبنی بر گرفتار شدن یازده نفر در برف گولاک در مناطق کوهستانی روستای دافی این شهرستان، بلافاصله برای یافتن افراد گرفتار به همراه اکیپ های هلال احمر به محل اعزام شدند. کیانی افزود: مأموران با جست وجوی گسترده میدانی، محلی که کوهنوردان در آن گرفتار شده بودند را شناسایی و با همراهی نجاتگران جمعیت هلال احمر عملیات جست وجو و نجات را آغاز کردند و در ساعت ۴:۴۰ با مباد دیروز این افراد رانجات دادند. فرمانده انتظامی تربت حیدریه ادامه داد: در بررسی های بعدی این حادثه مشخص شد که کوهنوردان در هوای مه آلود و تاریکی هوا مسیر خود را گم کرده بودند. کوهنوردان بلافاصله با اقدامات امدادی و مراقبتی به مقر انتظامی منتقل شدند.

برادر کشی با چاقوی خشم

ماجرای درگیری ۲برادر در مشهد که به قیمت جان برادر کوچکتر تمام شد



راه های زیادی را برای بیرون کشیدن برادر کوچکتر پیش می گیرند، اما هیچ اتفاق جدید نمی افتد و برادر کوچکتر همچنان وابستگی اش به مواد افیونی را حفظ می کند. در این میان مقتول برای رسیدن به موادمخدر، از هیچ کاری رویگردان نبوده است و برادرانش بارها شاهد تهدید و آزار مادرشان از سوی پسر کوچک خانواده بوده اند. در شب حادثه نیز یکی از برادران ابتدا برای پند و اندرز راهی خانه مادر می شود، اما در ادامه بحث آرام آن ها تبدیل به توفانی می شود که تمام می شود و چاقوی خشم در سینه او آرام می گیرد. هرچند این اولین و آخرین پرونده قتل با پس زمینه اعتیاد در مشهد نیست و بازپرس های جنایی مشهد بارها شاهد این گونه قتل ها بوده اند، اما بی توجهی به فرد معتاد و رها کردن او نیز بهترین راهکار برای بازگرداندن فرد معتاد به جامعه نیست، زیرا معتادان در زمره بیماران روانی دسته بندی می شوند و نیاز آن ها به درمان های روانی و خدمات مشاوره ای، فوری تر از دیگر بیماران است.

سرقت برای بساط افیون

مسروقه شامل آچار آلات و ضبط خودرو کشف شد. متهم که مردی سی و سه ساله بود و اعتیاد به مواد مخدر داشت در بازجویی های پلیسی به یازده فقره سرقت وسایل داخل خودرو در شهر ملک آباد با همدستی فردی دیگر و فروش اموال مسروقه به یک مال خر اعتراف کرد. مأموران در ادامه عملیات همدست متهم و مال خر اموال مسروقه را شناسایی و دستگیر کردند. از مخفیگاه آن ها تعداد زیادی لوازم و قطعات خودرو شامل باتری، جک، ضبط و ... کشف و ضبط شد.



جدول ۳۶۵۵																			
کوتاه ترین مرد جهان	هلو	سازمان	مردن	آرامگاه	مرز	مفرد	غار												
ته بندی کتاب	ماهیگیری پرستار	از غصه لانه	آرامگاه دیومار	کونه بر چستنه حرف تکراری	سینمای فاجعه فر شیشه	سیبلی باشگاه	نبوت												
فرزند تراکتور کجی		از گرماسازها سبزی خرد کردنی			متفق جامه درویش	پر حرفی دختر پدر مرده													
		عبور و لحظه			صوت افسوس حرف انگلیسی														
		سود عزیز دل		بالگرد			انجام کار ناقص												
	دوزخ عیال					خجسته طلای سیاه خزر													
واحدی ار تندی عضو صورت	۱۰۰ متر مربع	بشر					صداقت												
دانه معطر قریاد چهره																			
تخلص ده خدا مایع دباغی																			
بی صدا عصاره																			

متوفی خودزنی کرده است

با حضور قاضی محمود عارفی راد، بازپرس جنایی، در محل مشخص شد که فرد جان باخته در حمام منزل مادری اش جان خود را از دست داده است. در تماس اولیه با پلیس ۱۱۰ موضوع خودکشی مطرح شده بود.

مأموران با حضور در محل و مشاهده جسد مردی حدودا سی و هشت ساله، متوجه شدند که چندین ضربه چاقو به پیکرش خورده و احتمالا به دلیل همین جان باخته است. بر اساس اظهارات مادر گریان و مردی جوان که خودش را برادر متوفی اعلام کرد، پسر جوان به منظور تهدید خانواده برای پرداخت هزینه موادمخدر، اقدام به خودزنی کرده و جان باخته است.

آثاری مشکوک در صحنه مرگ

این اظهارات در حالی بیان شده که در بررسی صحنه جرم نشانه هایی از درگیری وجود داشت، هر چند که شاهدان آن را تکذیب کردند. موضوع دیگری که نشان داد این حادثه خودخواسته نبوده، نحوه برخورد چاقو بود که مقام قضایی را به این نتیجه رساند ضربات چاقو از سوی یک فرد میسر شده است.

اما خانواده متوفی با مهاجم بوده است. وجود یافته های تیم جنایی که تأیید می کرد دیگری این فرد را کشته همچنان مدعی بودند که او خودزنی کرده است. در نهایت ضد و نقیض گویی شاهدان منجر به صدور بازداشت برادر متوفی شد.

محمد جواد ابو عطا

گزارش

اختلاف هایشان عمیق تر و ترسناک تر شده بود. پسری که قرار بود عصای دست پیری مادرش

شود، همچون بختکی بر روی زندگی زن میان سال و دیگر برادرانش افتاده بود. او شبیه بیشتر معتادان که خانواده شان فدای لحظاتی نشنگی آن ها شده اند، با تلکه کردن مادر و برادرانش برای رسیدن به پول موادمخدر، هر روز به چاه سیاه اعتیاد بیشتر از پیش فرو می رفت. از مدتی قبل تهدیدهای توخالی پسر جوان رنگ و بوی خشونت گرفته بود، تا جایی که مادر پیرش شکایت او را پیش برادرانش برد. زندگی عنکبوت وار پسر جوان با ارتزاق از جیب اطرافیان در حالی وارد روز نهم ای مسال شد که یکی از برادران احتمالا برای نصیحت و خیرخواهی پا به خانه مادری اش در منطقه سیدی گذاشت. اما اوضاع آن گونه که خانواده می خواست پیش نرفت و لحظاتی بعد چاقوی خشم برادر بزرگتر نبض حیات برادر معتاد را برای همیشه قطع کرد.

گزارش مرگ مشکوک به خودکشی در منطقه سیدی مشهد، شامگاه جمعه تیم جنایی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد و گروهی از کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی را به محل حادثه کشاند.

خبر

سیرجانی فرمانده انتظامی مشهد از شناسایی و دستگیری زنان جیب بر

در یکی از مراکز تجاری خبر داد. سرهنگ احمد نگهبان در تشریح جزئیات این پرونده گفت: در پی گزارش چند فقره جیب بری در اتوبوس های درون شهری و بازارهای شلوغ شهر، موضوع در دستور کار مأموران کلانتری طبرسی شمالی قرار گرفت.

این مقام ارشد انتظامی مشهد افزود: تیم تجسس کلانتری طبرسی شمالی در حالی تحقیقات خود

عکس خبر

زخمی در میان حلی های حادثه ساز

قرآنی! وقوع سه حادثه رانندگی در مشهد مأموران سه ایستگاه آتش نشانی را به صحنه این حوادث کشاند. اولین سانحه رانندگی در حوالی پل انقلاب در حاشیه بزرگراه شهید کلانتری رخ داد که در آن یک دستگاه سواری با تیر برق برخورد کرد. در اثر وقوع این حادثه راننده خودرو در داخل اتاق این سواری محبوس شده بود که پس از رها سازی به بیمارستان منتقل شد. حادثه دوم در بولوار فرودگاه رخ داد که در آن یک دستگاه پراید با یک خودرو پژو ۲۰۶ برخورد کرد. در پی این حادثه پنج نفر مصدوم شدند. حادثه سوم در خیابان مسلم رخ داد که در آن یک سواری ۴۰۵ طعمه حریق شد. با تلاش آتش نشانان این حریق مهار شد و راننده خودرو نیز از این حادثه جان سالم به در برد.



نظرها و انتقادهای خود را با ما در میان بگذارید.

تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

پست الکترونیک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

پست: ۳۶۵۴

پست: ۳۶۵۴